

اسرائیل خواست که با کارت اوکرایین با پوتین بازی کند



توفیق تماس

تحلیل روز

خشم در دیگ فلسطینها به جوش آمده:

صحت این بار از جنگ روسیه و اوکراین نیست!

صحت از پیشروی ها در جبهه خونبار اوکراین و روسیه نیست!

صحت از متلاشی شدن سرزمین زیبا که ، به رگبار گلوله ها خم کرده نیست!

ولی این تهاجم گسترده (حماس) بر داعیه برحقشان ، بر مبنای تاریخی که بدست اسرائیلی ها دفن شده ، امروز سربلند میکند از سیاست جنگ که ، پوتین مقدمه یک تغییر راهبردی و بنیادی را در نظم نوین رقم زده ، و بدون تردید که ، طوفان سیاسی که فلسطینی ها را بطور شتاب انگیز وارد خاک اسرائیل کرده ، دمیده از تحول است که روسیه پوتین تقدیر سیاست روز را در عرصه جهانی به چالش گرفت.



غالباً امریکا میخواست که بعد از شکست از افغانستان ، اوکراین را به یک اسرائیل دیگر در شرق اروپا ، به کام پوتین تلخ بگرداند ، ولی از اقبال بد تقدیر غربی ها وبخصوص امریکا ، اسرائیل

امروز با مرگ و دشواری های مزمن تثبیت امنیت شکننده و با بی ثباتی کلی روبرو شده ، انهم با تهدید گروه که از لحاظ توازن سیاسی و تناسب نیرو قدرت با زدارنده گی بیشتر را در منطقه دارد این رویداد از لحاظ دید استراتژیک غیر قابل محاسبه ، به اردو و دستگاه استخبارات اسرائیل است ، که کارازماتیک بودنش در منطقه در مقیاس يك وزنه سنگین و پراکماتیک خیلی قوی درخشید بود ، و حتی يك کبوتر بدون دید سازمان (موساد) غیر ممکن بود که در منطقه چنین برنامه اوپراتیفی را سازمان دهد .

اول پیامد ها را به بررسی بگیریم ، بعد قدرت توان این تهاجم را در سیاست های بعدی منطقه بررسی میکنیم

اول - این تهاجم گروه حماس توانست نقاط ضعف و نا کارا بودن اردوی اسرائیل را در قالب يك قدرت بزرگ منطقوی بشدت رونمایی نماید ، انهم در برابر رقیب بلامنازع یعنی جمهوری اسلامی ایران ، که قدم به قدم در يك قواعد رقابتی به هم دیگر در يك جدال هستند

دوم - سطح قابلیت اردو و استخبارات (موساد) تا حدی قابل توجه نزد دستگاه های استخباراتی دیگر منطقه زیر سوال رفت.

سوم - قدرت و توانایی اردوی اسرائیل در يك جنگ غیر متعارف نشانه های از هم پاشیده گی و لجام گسیختگی را بمثابة يك اردوی بی برنامه و غافل از راز های کشفی و استخباراتی در يك تصویر غیر قابل فهم بنمایش گذاشت .

بنارقیبان اسرائیل ، چون جمهوری اسلامی ، و مصر ، دریافت آگاهی لازم را از دست پاچه گی اردوی اسرائیل در يك تهاجم يك گروه که ساختار نه چندان قدرت مند را در جنگ های بلند جبهه یی درمقابل يك کشور قدرتمند قوی از خود بروز نداده اند ، منظور من از گروه (حماس) میباشد

سوم - سیستم دافع هوا که (پاتریوت) امریکا بر اسرائیل تدارك دیده و نصب نموده در شهر های مختلف اسرائیل ، از برد استراتژیک بسیار شکننده و ناتوان بوده که شدت حملات موشکی حماس را نتوانسته ردیابی نماید ، بنابراین بازار فروش این تسلیحات بسرعت از لحاظ استراتژیک آسیب میبیند و خریدار ها را به تناسب (اس 400) روسی از دست میدهد ، چون این پیشینه در حملات هوئی ها در جنگ به ارامکو عربستان بوضاحت دیده شد ، که نتوانست راکت ها را مهار کند ، بنا این تهاجم ضربه سنگین به تسلیحات پر اوازه استراتژیک امریکا زده است.

حالا انگیزه ها را بر بشماریم که چرا چنین اتفاق افتاد

اسرائیل پا را فراتر گذاشت از آنچه باید میگذشت !

در جنگ اوکرایین متحد قوی ناتو بر ضد روسیه صف ارائی نمود ، ارسال تسلیحات به کي یف و تحت پرسش قراردادن مناسبات با روسیه پوتین ، که يك زمانی روابط خیلی گرم و معتبر با کریملن داشت و بازار گرمی عطوفت پوتین عرق سیاست گران اسرائیل را نوازش میداد

ولی بازی با کارت اوکرایین درجنگ ناتو و غرب برضد روسیه ، پوتین را در مسیری قرار داد که ارام ارام در مقابل اسرائیل تغیر موضع دهد !

حالا باید نگاشت که پوتین هم خطا های استراتژیک را در رابطه با اسرائیل داشت از جمله اعتماد بیشتر به اسرائیل در اتخاذ روش ها در تنش ها میان ایران و اسرائیل و برنامه برجام.



امنیت اسرائیل چرا بر پوتین مهم بود نسبت به امریکا ؟

جواب !

اول: بخاطری که تعداد قابل توجه از روسهای که یهود های شوروی دیروز بوده اند ، به اسرائیل پناهنده شده اند ، این رقم بعد از فروپاشی شوروی به میزان قابل ملاحظه افزایش یافت ، و امروز در اکثریت شهر های اسرائیل به عنوان شهروند زندگی و کار بار دارند ، حتی نیم پیکر جامعه امروزی اسرائیل را روس زبانان یهودی تشکیل میدهد ، بنا پوتین نه میتواند در محاسبات غلط در چارچوب این مسئله گام های نا درست با اسرائیل بردار د .

دوم - از لحاظ استراتژیک روسیه رابطه های افقی ودیرینه با اسرائیل دارد !

اسرائیل خواستار خرید تجهیزات از روسیه است ولی واشنگتن نه میگذارد اینجا لازم است که اشاره داشته باشم ان اینکه ، پوتین در شکاف های اعتماد به اسرائیل واقعا نسبت نسبت به جمهوری اسلامی در منطقه و در مسایل بحث استراتژیک در اشتباه بود ، ولی جنگ اوکراین و حمایت اسرائیل از زلنسکی و تیمش ، رفته رفته تنفر پوتین و رهبری کریملن را در موقعیتی قرار داد که پوتین را وارد يك بازبینی کلی در مورد اسرائیل نماید ، و این اعتماد بنفس را بر پوتین داد که شریک قابل اعتماد و استراتژیک نسبت به ایران کسی دیگری در منطقه بوده نه میتواند ، به همین خاطر مدت ها ماسکو از تحویل دهی راکت های (اس 400) به تهران بطور تاکتیکی سرباز زد و همچنان تکمیل پروژه (بوشهر) که مدت ها کار اش طول کشید ، چون ماسکو منافع اسرائیل را مقدم میشمرد ، و این يك اشتباه راهبردی ماسکو بود.

ولی حالا دیدم که ایران بطور فزاینده نقش متبازری را در قالب يك حمایت گر استراتژیک در کنار پوتین خیلی با متانت و پایداری ایفاء می کند ، و کار آمدی راکت های (شاهد 136) نقش افرینی جالب را با مصرف نا چیز و کاربرد عالی در جنگ اوکراین بدوش میکشد و روسیه خیلی از موفقیت این راهبرد راضی است.

حالا به اصل مساله نزدیک میشویم که اسرائیل اسباب خشم ماسکو و جمهوری اسلامی را چرا در بحران ارمنستان ایجاد کرد !

اسرائیل بازی کننده ماهر است در استراتژی های بلند مدت ، مقامات در اسرائیل انقدر به انریایجان نزدیک شدند. که نقش يك پدر مهربان را در خصومت با ارمنستان ایفا نموده اند ، ارسال و تکمیل تجهیزات به باکو ، پرده های خشم را در تهران بوجود آورد ، اسرائیل میکوشید هدفمندانه تهران را در

این بازی منزوی کند ، چون اگر جنگی در میگرفت هدف اصلی کشاندن جمهوری اسلامی به درگیری بلند مدت ، و دور ساختن ایران از پروژه تجارتي که چین انرا در منطقه مدیریت میکند ولي امروز با جنگ که حماس آغاز کرد ، این خود اسرائیل است که وارد يك منحلای بی سابقه گردیده چنانچه میگویند

چاه کن جایش در چاه است

بعد از فروکش نمودن بحران ارمني ها و اندر بایجان در سال 2020

روسیه در این معامله نقش پاسیف را بازی نمود و عملاً بر رقیبان چاه طلب مانند ترکیه و اسرائیل جا باز کرد. ، ولي وقتیکه پوتین و خامنه یی دید که بلند پروازی های اسرائیل ابعاد بازی را بنفع این دو رقیب رقم میزند ، سرانجام حماس را در تقابل با اسرائیل حساس ساختند ، و امریکا بدون شك که در پشت بحران ارمنستان روسیه را میخواست تضعیف کند و باز گشایی جبهه دیگر به مشام پوتین که فشار ها از اوکراین بر طرف شود میتواند يك دست آورد هوشمندی باشد تا ضربه محکمی بر روی پوتین ، که شکست امریکا را تداعی نماید ، ولي چنین نشد .

امریکا نیز از دست پا زدن اسرائیل در بازی های منطقوي بخصوص ایجاد روابط بازگانی با چین نا راحت بود ، از همین رو در تهاجم که حماس آغاز کرد در دو روز پیش ، تنها به محکوم کردن حمله حماس و اتخاذ یک موضع دیپلماتیک بسنده کرد.

تهاجم حماس نه تنها به اشغال گری اسرائیل در مناطق فلسطینی تعریف میشود ، بلکه فاجعه انفجار چندی قبل در مراسمی از فارغان که از صنوف نظامی در سوریه جمع شده بوده اند ارتباط میگرد و اسرائیل پیوسته مواضع جمهوری اسلامی در ایران را توسط بمباردمان غیر قابل توجیه متلاشی میساخت حالا باید اسرائیل حساب پس دهد .

و ایران با يك برنامه محاسبه شده و با طراحی افکار (سپاه قدس) و سپاه پاسداران اسرائیل را درس تاریخی داد

برخی ها به این باور اند که خود اسرائیل سازمان دهی این رویداد را برنامه ریزی کرد

درست مانند یازده سپتمبر امریکایی ها به منظور دست یابی به افغانستان ، خوب میتواند این مورد هم ممکن باشد زیرا تیم حاکم نتا نیا هو در وضعیت عدم اعتماد میان رقبای خود و عدم يك پارچه گی قرار داشت ، و به بهانه بسیج و همبستگی نیروهای دیگر بدور يك سیاست که ، دست او را باز بکند در سرکوب حماس در فلسطین ،، ولي من به عنوان يك تحلیل گر این مسئله را منتفی میدانم ، چون ابروی حرفوي يك اردوی قدرتمند بقدر کافی زیر پای شد ، و اگر در پاره های از موشکافی ها این مسئله بازتاب یابد که کار خود رهبري اسرائیل است ، باید نتانیا هو به چوبه دار برود.

جنگ آغاز شد امروز در يك تعریف واقعی میان فلسطینی ها و اسرائیل ، و شواهدی کافی بدست اسرائیل وجود دارد که پشت ماجرا جمهوری اسلامی ایران نشسته ، و روسیه مبتکر دیالکتیک و فلسفی این برنامه است ،، اما اگر اسرائیل این جنگ را با ایران آغاز کند ،، بطور واقعی اسرائیل نابود میشود ،، زیرا شعار اخوند های ایران نابودی اسرائیل است ، اما ایران اینرا هم نه میخواهد ، زیرا بقای جمهوری اسلامی موجودیت اسرائیل است و با تمام شدن کامل اسرائیل در نقشه کار و حاکمیت اخواند های ایران نیز پایان می یابد .

ولي ایران اینرا نه میخواهد ، اما با کارت (حزب الله) و حماس اسرائیل را به نقطه برگشت در تعاملات نگاه میدارد ، و در يك جنگ خیره کننده که ابعاد و گستردگی اش خیلی ها فاجعه بار است بر مردم فلسطین ، ولي باز هم میگویم که جمهوری اسلامی خواهان محو اسرائیل نیست اگر اوضاع از

کنترول خارج نشود همین لحظه که برایتان تحلیل مینوسم ، خوشه های بمب های وحشتناک بالای مردم فلسطین از طرف جنگنده های اسرائیل فرود میاید ، و ممکن احساسات عرب ها را جریحه دار سازد در ان صورت اگر عرب ها به خشم آیند کار اسرائیل تمام است.

بخاطریکه روابط عربستان با اسرائیل در حال توسعه بود و این حماس بود که با پیام خود بر جامعه عرب فهماند که هر نوع تعامل با اسرائیل تلف شدن حقوق فلسطینی هاست و جفا بزرگ نسبت به مبارزه چندین دهه سرزمین بلا کشیده فلسطین میباشد.

در جمع بندی

جنگ به مفهوم واقعي شتاب بي شاييه را كسب ميكند و احتمال داخل شدن (حزب الله) بسيار نزديك شده ، امريكا مجبور است كه در پشت اين جنگ در حمايت از اسرائيل ايستاد شود و عملا امريكا با يك قواعد پيچيده منطقي در گير خواهد شد و مجبور است كه بار مسووليت جنگ را با هزينه مالي بعد از اوكرابين بدوش بيگردد ،، كاري را كه ميخواست پوتين كند.

